



بررسی رابطه بین اختلاف قرائات و شبهه تحریف قرآن

غلامحسین مرادی سرچشمه

دانشجوی دوره دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی کازرون

چکیده

در طول تاریخ اسلام عده‌ای با تسمک به وجود روایاتی ضعیف در کتب حدیثی اهل سنت و شیعه، شبهه تحریف قرآن را مطرح ساخته‌اند. تا جایی که یکی از محدثین معروف شیعه به نام میرزا حسین نوری کتابی مستقل در این زمینه تألیف نموده است. عمده کسانی که قائل به تحریف قرآن شده‌اند به روایاتی استناد نموده‌اند که بخش قابل توجهی از آنها شامل روایاتی است که به اختلاف قرائات در قرآن مربوط می‌باشد. از آنجا که مصونیت قرآن از تحریف از ابعاد مختلف دارای اهمیت می‌باشد و در صورتی که خلاف آن ثابت شود هر گونه استناد و استدلال به این کتاب آسمانی مورد تردید واقع می‌شود. ما در این نوشتار این موضوع را اثبات کرده ایم که اختلاف قرائات بر تحریف قرآن دلالت نداشته و اختلافاتی که در قرائات قرآن وجود دارد به مصون بودن این کتاب آسمانی از تحریف خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

کلمات کلیدی: قرآن، تحریف، اختلاف قرائات

مقدمه

دانشمندان حوزه علوم قرآن و تفسیر از سالهای اولیه ظهور اسلام تا کنون کتابهای متعددی در زمینه اختلاف، قرائات و همچنین عدم تحریف قرآن به طور مستقل به رشته تحریر درآوردند اما رابطه بین اختلافات قرائات با تحریف یا عدم تحریف قرآن موضوع مهمی است که تحقیق و تألیف چندانی در مورد آن صورت نگرفته است.

در این زمینه دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد: گروهی اختلاف در قرائات را نشانه تحریف قرآن می‌دانند. در میان علما و اندیشمندان شیعه سید نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۲ق) نخستین کسی است که در کتابهای منبع الحیاه و الانوار النعمانیه اختلاف قرائات را دلیل تحریف قرآن دانسته است (جزایری، سید نعمت‌الله، منبع الحیاه، بی‌تا، ص ۶۶ و ۶۷ و الانوار النعمانیه، ۱۴۰۴: ۱ صفحات ۳۶۲ و ۳۶۳).

همچنین میرزا حسین نوری معروف به محدث نوری از محدثان شیعه در قرن چهاردهم هجری در کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب‌الارباب، اختلاف قرائات را دلیلی بر تحریف قرآن بیان می‌کند. گروه کثیری از دانشمندان مسلمان، اختلاف قرائات را دلیل بر تحریف قرآن ندانسته‌اند. در این نوشتار برآنیم که دیدگاههای مختلف را در این زمینه بررسی کنیم و با نقد دیدگاه اول مصونیت قرآن از تحریف با وجود اختلاف در قرائات را اثبات کنیم.

پیش از وارد شدن به اصل بحث لازم است توضیحی کوتاه در مورد دو واژه تحریف و قرائات مطرح نمایم.

معناشناسی تحریف

تحریف از ریشه حرف (به معنای لبه، کنار و مرز یک چیز) در بحث به معنی مایل کردن، منحرف کردن و دگرگون ساختن است و تحریف سخن، به معنی ایجاد نوعی دگرگونی و انحراف در آن است.

راغب در مفردات می‌گوید: «تحریف کلام یعنی سخنی را که دو احتمال دارد، تنها به یک احتمال حمل کنی، گر چه برخلاف اراده و منظور صاحب سخن باشد» (راغب اصفهانی، ص ۲۲۸).

لغت‌دانان برای این واژه معانی متعددی نقل کرده‌اند، که با دقت در معانی یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که بنابر تصریح بسیاری از دانشمندان علم لغت، معنای اصلی آن، لبه، کنار و نهایت چیزی است و سایر معانی دیگر به این معنا بازگشت پیدا می‌کنند (ابن اثیر، ۳۶۹/۲، مصطفوی، ۱/۲، ۱۹۸).

اقسام تحریف

با توجه به معنی لغوی تحریف، می‌توان تحریف قرآن را به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم کرد (نجارزادگان، صفحات ۱۷ و ۱۸). البته برخی قسم سومی نیز برای تحریف قائل می‌باشند و آن تحریف عملی است (مکارم شیرازی، جلد ۱، صفحات ۲۸ و ۲۹).

تحریف معنوی به برداشت انحرافی و تفسیر و توجیه سخن برخلاف مقصود گوینده و بر اساس امیال و آراء افراد یا گروه‌های خاص اطلاق می‌شود، مانند برداشتهای مذاهب کلامی از آیات قرآن، قرآن کریم از وقوع این گونه از تحریف در کتاب‌های آسمانی گذشته در آیاتی یاد کرده است. « بحرفون الكلم عن مواضعه، کلمات الهی را از جایگاهش منحرف می‌سازند» (سوره نساء، آیه ۴۶).

« و يحرفونه من بعد ما عقلوه، سخن خدا را پس از آنکه دریافته‌اند، تحریف می‌کنند» (سوره بقره، آیه ۷۵).

منظور از تحریف عملی، عمل برخلاف دستور قرآن است. در مورد اینکه این دو نوع تحریف در مورد قرآن اتفاق افتاده است، بین دانشمندان مسلمان اختلاف وجود ندارد و روایات نیز این را تأیید می‌کند.

تحریف مورد بحث و نزاع که در علوم قرآن مطرح است. تحریف لفظی است که برای آن نیز اقسامی ذکر کرده‌اند که عبارت است از: تحریف بالنقیصه، تعریف بالزیاده و تحریف بالترتیب.

در این زمینه اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اسلامی اعتقاد دارند، قرآن کریم از تحریف بالزیاده، یعنی اضافه شدن کلام بشر به قرآن، مبری است. در مورد تحریف بالترتیب اینکه آیات و سوره‌های قرآن برخلاف ترتیب نزول جمع‌آوری شده باشند، به اصالت و حقیقت قرآن لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

آیت ... مصباح یزدی معتقد است: « تحریف لفظی اگر به معنای عدم رعایت ترتیب نزول آیات و سوره‌ها در مقام نگارش و قرائت آنها باشد، مسلماً در مورد قرآن تحقق یافته است، به این معنا که آیات و سوره‌ها موجود، در موارد بسیاری برطبق ترتیب تدریجی نزول آن تنظیم نشده است. البته قرآن نازل شده بر پیامبر اسلام (ص) از زمان نزول تا کنون نه مفقود شده و نه برای آن مطلبی افزوده شده است و همیشه بین مسلمانان حفظ شده تا به دست ما رسیده است، اما اگر منظور تغییر در اعراب کلمات یا دگرگون شدن الفاظ آیات (جابجایی یا تغییر الفاظ آنها) و یا کاستی برخی آیات، کلمات و حروف قرآن در عین محفوظ ماندن اصل آن باشد، این گونه تحریف و تغییر مورد اختلاف است (مصباح یزدی، ص ۳۰۸ و ۳۰۹).

مفهوم‌شناسی قرائات

قرائات به لحاظ ساختار کلمه، جمع قراءه و حداقل دارای سه معنی است: الف) خواندن و تلاوت کردن (سبزواری، لغت نامه قرآن کریم، ۴/۴۱۹). بر اساس این معنا، معنای اصلی «قرأ» خواندن است. صبحی صالح خواندن را معنای اصلی «قرأ» دانسته و می‌گوید: قرأ به معنای «تلا» در میان عرب قبل از اسلام رواج داشته است (صالح ص ۱۹ و ۲۰).

ب) جمع کردن (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن ۱۴۱۲، ص ۶۶۸).

بر اساس این معنا، قرائت در اصل به معنای خواندن نیست، بلکه از این جهت که قاری هنگام خواندن قرآن، حروف و کلمات را به یکدیگر ضمیمه می‌کند، لفظ قرائت بر خواندن اطلاق شده است (ابن منظور، ۱/۱۲۸).

ج) خواندن همراه با فهم، علامه مرتضی عسکری با توجه به موارد به کار بردن واژه «قراءه» در قرآن، روایات و لسان صحابه می‌فرماید: قرائت در زمان پیامبر (ص)، و صحابه به معنای خواندن همراه با فهم معنای آیات به کار رفته است و «إقرأ» به معنای تعلیم لفظ قرآن همراه با معنای آیات بوده است و «مقرئ» به کسی اطلاق می‌شد که خواندن قرآن را همراه با تفسیر آیات به دیگران می‌آموخت (عسکری، ج ۱، ص ۲۸۹).

در مورد معنای اصطلاحی قرائت نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که برای رعایت اختصار به دو مورد آن اشاره می‌شود: قرائت عبارت است از بازگویی الفاظ قرآن، همانگونه که پیامبر اکرم (ص) خود تلفظ فرموده، یا در محضر مبارکش تلفظ شده و ایشان تقریر کرده‌اند، خواه یک قرائت یا قرائت‌های متعدد باشد (فضلی، ص ۵۶).

در تعریف دیگری آمده است:

قرائات، عبارت است از اختلاف الفاظ وحی نازل شده بر پیامبر (ص)، از جهت نوشتن حروف و کیفیت آنها از قبیل تخفیف، تثقیل و امثال اینها، که از سوی قرآء نقل شده است (زرکشی، ۱/۴۶۵).

انواع اختلافات در قرائات

اختلاف در قرائات بسیار زیاد است، مثل اختلاف در حرکات اعراب و بنا، تقدیم و تأخیر، زیاده و نقصان، مد و قصر، تخفیف و تشدید، تریق و تخفیم، اخفا و اظهار، فک و ادغام.

دانشمندانی مانند فخر رازی، ابن قتیبه، ابن جزری و دیگران در مقام استقراء قرائات (علی‌رغم اختلاف و انواع آن) برآمده‌اند و سعی کرده‌اند جهات یا وجوه اختلاف نیز مشخص نمایند. برخی از آنان وجوه اختلاف در قرائات را در هفت مورد منحصر داشته‌اند. ابن قتیبه می‌نویسد: وجوه اختلاف قرائات را در هفت وجه یافتیم:

۱- اختلاف در حرکات کلمه، بدون اینکه در معنی و صورت و شکل آن تغییری ایجاد کند. مانند « و یضیق صدری» (سوره شعراء/ ۱۳). که هم به رفع قاف و هم به نصب آن قرائت شده است.



۲- اختلاف در حرکات که تغییری در معنا ایجاد کند ولی صورت و شکل کلمه محفوظ باشد مانند کلمه «کفلها» در آیه «و کفلها زکریا» (آل عمران / ۳۷). که کلمه کفلها هم به تخفیف فاء و رفع محلی زکریا به عنوان فاعل و نیز به تشدید فاء کفلها و نصب محلی زکریا به عنوان مفعول دوم قرائت شده است.

۳- اختلاف در حروف کلمه که در معنا تغییر ایجاد کند، ولی صورت و شکل کلمه محفوظ بماند، مانند «نُنشُرُها» (سوره بقره/ ۲۵۹). که کلمه نُنشُرُها هم با زاء و هم با راء قرائت شده است.

۴- اختلاف در حروف که در صورت و شکل کلمه تغییر به وجود می‌آورد ولی معنای کلمه محفوظ می‌ماند. مانند «کالعهن المنفوش» در آیه و «تكون الجبال کالعهن المنفوش» (سوره قارعه/ ۵) که این کلمه به صورت کالصفوف المنفوش نیز قرائت شده است.

۵- اختلاف در حروف که معنی و شکل را تغییر می‌دهد، مانند کلمه «طلح» در آیه «و طلح منضود» (سوره واقعه/ ۲۹). که کلمه طلح با حاء (طلح) و با عین (طلع) قرائت شده است.

۶- اختلاف در تقدیم و تأخیر مانند «و جاءت سکره الموت بالحق» (سوره قلم/ ۱۹) که به صورت «و جاءت سکره الحق بالموت» نیز قرائت شده است.

۷- اختلاف در زیاده و نقصان مانند «ما عملته ایدیهم» (یس/ ۳۵) که به صورت ما عملت ایدیهم نیز قرائت شده است (رجوع کنید به فضلی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات).

تعداد موارد اختلاف در قرائات

تعداد موارد اختلاف قرائات بر اساس ثبت التیسیر فی قرائة السبع نوشته دانی (م ۴۴۴هـ)، در حدود ۱۱۰۰ مورد، ذکر شده است که بیشتر از دوسوم آنها به ادغام و ضمیر یا صیغه حاضر و غایب نیز فرق یعلمون و تعلمون، یغلی و تغلی و مانند آنها مربوط می‌شود (خرمشاهی، ص ۹۷). نویسندگان کتاب معجم القرائات القرآنیه که موارد اختلاف قرائات را از ابتدا تا انتها احصاء نموده اند، تعداد موارد اختلاف را ۱۰۲۴۳ مورد ذکر کرده اند، که بخش عمده آن به ادغام یا عدم ادغام، اماله و جزئیات تجدیدی و سجاوندی مربوط می‌شود (احمد مختار و عبدالعان، معجم القرائات القرآنیه).

علل اختلاف قرائات

با نگاهی به مسئله اختلاف قرائات متوجه می‌شویم که اختلاف در قرائات قرآن کریم سه عامل اساسی داشته است، که از این میان دو عامل طبیعی و یکی ارادی بوده است.

۱- صباوت خط عربی و نبود اعراب، حرکت، اعجام یا نقطه و نشان حروف در آن (نگارش قرآن با خط ابتدایی عرب).

۲- اختلاف لهجه در قبایل مختلف عرب

۳- اجتهاد قرآء

دو عامل اول طبیعی و عامل سوم ارادی بوده است.

البته در برخی از کتب علوم قرآنی از عوامل دیگری نیز به عنوان علل اختلاف قرائات نام برده شده است که عبارتند از:

۱- وجود غلط‌های رسم الخطی در مصاحف عثمانی

۲- اختلاف تفسیر با نص قرآن

۳- روایات جعلی و غیرمعتبر

۴- اجتهادات شخصی صحابه

۵- اجتهادهای عالمان نحوی

۶- انحراف جامعه اسلامی از نظام ولایی

۷- حب دنیا و غلبه هوی و هوس بر برخی از قاریان.

البته تأثیر سه عامل اول بر اختلاف قرائات بیش از سایر عوامل می‌باشد. و در بین سایر علل ذکر شده نیز باید گفت برخی از آنان تأثیر بیشتری در اختلافات داشته و بعضی تأثیر کمتری داشته‌اند، به همین دلیل بررسی میزان تأثیر عوامل ذکر شده در اختلاف قرائات نیازمند تحقیق مفصل‌تری است.

آیا قرآن و قرائات یکی هستند؟

یکی از مسائلی که در ارتباط با موضوع اختلاف قرائات مطرح است، این است که، آیا هر قرائتی از کلام وحی، قرآن به حساب می‌آید؟ و اینکه کدام یک از قرائات موجود، قرآن هستند؟

در این زمینه آراء و نظرات گوناگونی وجود دارد که به طور مختصر به آنها اشاره می‌کنیم (فضلی، ص ۸۶).



۱- هر قرائتی حتی قرائات شاذ، شایسته احراز عنوان قرآن می‌باشد. این نظریه را ابن دقیق مطرح کرده است (فضلی، عبدالهادی، ص ۸۷).
۲- قرآن و قرائات، در حقیقت متفاوت از یکدیگرند.

زرکشی و بعضی از دانشمندان علوم قرآن معتقدند:

« قرآن و قرائات دو حقیقت متغایر هستند قرآن عبارت است از وحیی که بر محمد(ص) به منظور بیان قوانین الهی و اعجاز نازل شده است، اما قرائات عبارت از اختلاف وحی از لحاظ حروف و کلمات و کیفیت ادای حروف این کلمات از نظر مشدد و یا مخفف خواندن و امثال آنها» (زرکشی، ۳۱۸/۱).

برخی از دانشمندان معاصر نظیر: آیت اله خویی و دکتر صبحی صالح نیز بین قرآن و قرائات تفاوت قائلند، آیت‌الله خویی در این باره می‌نویسد: « هر یک از قرآء سبعة ممکن است احیانا گرفتار اشتباه شده باشند. و دلیلی از نظر عقل و شرع وجود ندارد که لزوما باید از قاری خاصی از این قرآء سبعة و یا دیگران در قرائت قرآن پیروی نمود.

عقل و شرع ما را از پیروی امری که یقینی نیست، منع کرده است (خویی، ۱۷۱/۱).

متفاوت بودن قرائات از لحاظ منطبق بودن آنها بر شرایط قرائات صحیح بر اساس این دیدگاه در صورتی که قرائتی دارای سند صحیح باشد و با دستور زبان عربی و رسم الخط عثمانی مطابقت داشته باشد، می‌توان آن را به عنوان قرآن پذیرفت و بین آن قرائت و خود قرآن تفاوتی قائل نشد.

ولی قرائاتی که حتی یکی از این شرایط سه گانه را نداشته باشد را نمی‌توان به عنوان قرآن تلقی کرد و یا لفظ قرائت را بر آن اطلاق کرد و قطعاً می‌بایست بین این گونه قرائات و قرآن تفاوت قائل شویم.

قرائت‌های مشهور قرآن

با نگاهی به آثاری که از قرن اول تا چهارم هجری قمری تألیف شده است به این نتیجه می‌رسیم که قرائات موجود قرآن عبارتند از: قرائات سبعة (که قرائات مشهور شمرده می‌شوند)، قرائات آحاد و قرائات شاذ (آشوری، ۳۶۶ تا ۳۹۵).

نکته مهم اینکه بعضی از این قرائات از اصحاب امامان معصوم نقل نشده، بلکه نقل کنندگان آنها بیشتر مؤلفان کتب قرائات و تفسیر، مانند زمخشری، طبری، ابن الجزری، ابن خالویه و ابوعمرو دانی بوده‌اند و هر چه از عصر غیبت فاصله می‌گیریم، مفسران شیعه کمتر به نقل قرائات خاص اهل بیت می‌پردازند و بر حجم روایات قرائات از قاریان مشهور یا حتی شاذ افزوده می‌شود.

به شکلی که بعضی از تألیف‌کنندگان کتابهای قرائت خود ملاکهایی را تعیین و بر اساس آن قرائاتی را برگزیده‌اند.

ابن جزری در معرفی این قرائات می‌گوید: « قرائاتی است که سند آنها از مزیت صحت برخوردار می‌شود و این قرائات منطبق بر ضوابط عربیت و موافق با رسم الخط عثمانی می‌باشد (ابن الجزری، منجدالمقرئین، ص ۱۵).

البته این تنوع دیدگاهها و ملاکها و وجود نویسندگان و کتب مرتبط با قرائات که از قرن چهارم تا دوازدهم هجری امتداد داشته است، هرگز از شهرت و اعتبار قرائات سبع نکاسته است. و این قرائات همواره محور بحث و مطالعه و تدریس پژوهشگران بوده است (فضلی، ص ۶۶).

دیدگاهها در مورد اینکه اختلاف قرائات تحریف تلقی نمی‌شود

بیشتر روایاتی که محدث نوری برای اثبات تحریف قرآن در کتاب معروف خود « فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب » مطرح نموده است، شامل اختلاف قرائات قرآن است. اما اینکه آیا اختلاف در قرائت دلیل بر اختلاف در نصّ وحی و اثبات تحریف قرآن است یا نه، مورد اختلاف است و نظر دانشمندان علوم قرآن این است که اختلاف در قرائت بر اختلاف در نصّ قرآن دلالت نداشته و این موضوع تحریف در آیات الهی را اثبات نمی‌کند.

آیت ... حسن‌زاده آملی در این زمینه می‌نویسد:

اختلاف قرائت‌ها موجب تحریف و تغییر قرآن نمی‌گردد و با اختلاف قرائت‌ها در قرآن، نه کلمه‌ای افزوده می‌شود و نه چیزی کاسته می‌گردد، زیرا اختلاف آنها در اعراب و صداها و برگرداندن ضمیر و کیفیت تلفظ، و خطاب و غیبت و مفرد و جمع و مانند اینها در کلماتی است که شایستگی برای آن دارد و با هر یک از قرائت‌ها که خوانده شود، همه قرائت‌های آیات و کلمات قرآن به حالت اصلی خودش، دست نخورده باقی می‌ماند (حسن‌زاده، ۸۱).

گذشته از اینکه اختلاف در قرائات بر اختلاف در نص قرآن و در نتیجه اثبات تحریف آن دلالت ندارد، برخی معتقدند که این روایات، اصولاً هیچ ارتباطی با موضوع تحریف قرآن ندارند.

قرآن پژوه معاصر آیت الله معرفت در این باره می‌نویسد:

« روایاتی که در کتاب فصل الخطاب جمع آوری شده ۱۱۱۲ روایت است که ۱۰۷ روایت آن مربوط به باب قرائت است که برخی از ائمه در قرائت به گونه ای دیگر قرائت نموده اند.

روشن است که اختلاف قرائت با مسأله تحریف ارتباطی ندارد، زیرا قرائت سبعة یا اربعة عشر، همواره در میان مسلمانان رایج بوده و هیچ کس آن را دلیل بر تحریف قرآن ندانسته است.

نمی‌دانیم چرا حاجی نوری این اشتباه بزرگ را مرتکب شده است. این قبیل قرائت‌ها بر فرض ثبوت، امری متعارف بوده و هرگز به عنوان تحریف قرآن تلقی نمی‌شود و صرفاً مبین اجتهاد قرآء در چگونگی قرائت قرآن است (معرفت، التمید، بخش منشأ قول به تحریف).

رابطه بین اختلاف قرائت با موضوع تحریف قرآن

رابطه بین اختلاف قرائت‌ها بابت تحریف قرآن را می‌توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد:

۱- آیا صرف وجود اختلاف قرائت هفت گانه یا بیشتر، می‌تواند دلیلی بر تحریف قرآن باشد، همانگونه که محدث نوری آن را به عنوان یکی از دلایل خویش برای اثبات تحریف قرآن مطرح کرده است (نوری، ۲۰۹).

۲- آیا احادیث و روایات فراوانی که به طور مشخص و جزئی اختلاف قرائت‌ها در بعضی از آیات وحی را بیان کرده اند، نمی‌تواند دلیلی بر اثبات نظریه تحریف قرآن باشد.

در مورد مطلب اول باید گفت که در مورد اختلاف قرائت‌ها دو فرض قابل تصور است:

فرض اول اینکه یا یکی از این قرائت‌ها، قرائت اصلی و منتسب به پیامبر اکرم (ص) است، یا هیچ یک از این قرائت‌ها، قرائت اصلی که به پیامبر اکرم (ص) منسوب است، نمی‌باشد.

در صورتی که هیچ یک از این قرائت‌ها، قرائت اصلی نباشد، می‌توان مسأله تحریف قرآن را پذیرفت، ولی اگر یکی از این قرائت‌ها در حقیقت قرائت اصلی و منتسب به پیامبر اکرم باشد، ممکن است دو حالت پیش آید:

یا ما توانسته ایم آن قرائت اصلی را کشف کنیم، که در این حالت، تحریف قرآن بی‌معنی می‌شود، زیرا اصل مصحف با این قرائت درست در اختیار ماست و سایر قرائت‌ها فاقد ارزش و لغو می‌باشند.

اما در حالت دوم، در صورتی که ما نتوانیم قرائت اصلی و منتسب به پیامبر اکرم (ص) را از این قرائت‌ها به صورت قطعی و یقینی کشف کنیم، باز طرح بحث تحریفی قرآن نمی‌تواند وجهی داشته باشد، زیرا در این صورت ما می‌توانیم در احکام عملی و غیر آن بین این قرائت‌ها جمع کنیم تا یقیناً به تکلیف خویش عمل کرده باشیم. مثلاً در نماز سوره حمد را با تمام قرائت‌ها بخوانیم، مانند تکرار نماز در ندانستن قبله (ترخینی عاملی، ۶۵/۲).

ولی در مورد جهت دوم، که آیا اختلاف قرائت‌ها تحریف تلقی می‌شود یا نه؟ پذیرش این موضوع به سادگی امکانپذیر نیست که مثلاً کسی از روی سلیقه شخصی بگوید، اختلاف در قرائت‌ها موجب تحریف قرآن نمی‌شود و ما از وی بپذیریم و پذیرش آن نیازمند دلیل محکم می‌باشد.

شاید بتوان گفت با بررسی اختلاف قرائت‌ها از جهت تغییر در معنای الفاظ بتوان به نتیجه ای متقن در این مورد رسید.

برای بررسی دقیق این مطلب، توجه به اهمیت معنا به عنوان تنها علت به کارگیری لفظ و کلمه، بسیار حائز اهمیت است (استادی، کاظم: ۶۶).

در مورد لفظ چنین گفته شده است که: صوتی است که از دهان خارج می‌گردد، خواه دارای معنا باشد (مستعمل) و خواه بی معنی باشد (مهمل) (جرجانی، ص ۸۳).

پس هدف از به کار بردن کلمه، از سوی فاعل حکیم افاده معنا است، به گونه ای که حتی الفاظ فاقد معنا نیز اگر از طرف گوینده ای صاحب اختیار صادر شود، معنای دلالتی و تبادری را به همراه خواهد داشت.

بر این اساس واضح است که هر گونه تغییر در کلمه و لفظ مستعمل، می‌تواند موجب تغییر در معنا یا دلالت شود. چه اینکه معنا را قراردادی یا آن را جزء لفظ بدانیم. بنابراین موضوع اختلاف قرائت‌ها از یکی از دو قسم زیر خارج نیست:

الف) یا اختلاف قرائت‌ها موجب تغییر در معنای کلام الهی نمی‌شود.

ب) یا اینکه اختلاف قرائت‌ها موجب تغییر در کلام خداوندی می‌شود.

اگر اختلاف موجب تغییر در کلام خداوند گردد، یقیناً تحریف قرآن صورت گرفته است و در غیر این صورت سخن از تحریف قرآن وجهی ندارد.

آیا اختلاف قرائت‌ها معنا را تغییر می‌دهد.

بر اساس آنچه در مورد اختلاف قرائت‌ها مطرح کردیم، می‌توانیم بگوییم برخی از اختلافات در قرائت‌ها معنای کلامی را تغییر می‌دهد.

اختلاف قرائتی که در تغییر معنا مؤثر می‌باشند به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند.

الف. برخی از اختلاف قرائات در معنای کلام تغییر جدی و محسوسی ایجاد نمی‌کند و بیشتر جنبه تأکید یا تفنن در گفتار دارد، مانند کلمه «تنجیکم» در آیه «یا ایها الذین آمنوا هل أدلکم علی تجاره تنجیکم من عذابِ ألیم» (صف / ۱۰). که هم از باب أفعال و هم از باب تفعیل خوانده شده است. یا عبارت «أو کفاره طعام مسکین» (مائده / ۹۵). که بعضی آن را با تنوین کلمه اول کفاره و برخی با اضافه آن را خوانده اند.

ب) شکل دیگری از اختلاف در قرائات، در معنای کلی عبارت تغییر به وجود می‌آورد، اما تغییر به وجود آمده آنچنان فاحش نیست که در مفهوم تفاوت جدی ایجاد کند مانند عبارت «فتلقى آدم من ربه کلماتٍ فتاب علیه» در آیه ۳۵ سوره بقره که بر اساس فاعل بودن آدم و مفعول بودن کلمات و برعکس خوانده شده است.

ج) نوع دیگری از اختلاف قرائات وجود دارد که در معنای جمله تغییر جدی ایجاد می‌کند به عنوان نمونه آیه ۱۰۶ سوره بقره به شکل های مختلفی قرائت شده است. ما نسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها. الم تعلم أن الله علی کل شیءٍ قذیر. این آیه را به شکلهای زیر قرائت کرده‌اند.

الف) ما نسخ را به شکلهای مانسوخ، ما تنسخ و ما ننسک.

ب) ننسها را به شکلهای ننسها، تنسها، تنسها، تنسها، تنسها، تنسها، ننسکها، ننسها و ننسها.

ج) نأت را به شکلهای نأت و نجئ

د) بخیر منها او مثلها به شکلهای: بخیر منها او مثلها و بمثلها او بخیر منها (معجم القرائات القرآنیة، ج ۱، ص ۹۸ تا ۱۰۱).

با مقدمه ای که طرح شد می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که اختلاف در قرائات در برخی موارد می‌تواند موجب تغییر و تفاوت در تفسیر و معنا شود.

راهی که برای پیشگیری از شکلهای فوق وجود دارد این است که تا آنجا که ممکن است معانی و تفسیرهای مختلفی که از اختلاف قرائات ناشی می‌شوند را به هم نزدیک نماییم، ولی باید اقرار کنیم که همیشه چنین امکانی وجود ندارد و در بعضی موارد ما ناگزیر خواهیم بود که تنها یک تفسیر که با یکی از قرائات تطابق دارد را انتخاب کنیم (رک: همایی، عباس، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر، پژوهش دینی، شماره ۷، پاییز ۸۳).

از طرف دیگر تحریف در گفتار، اساساً به تحریف معنوی اطلاق می‌شود یعنی تحریف با تغییر درخواست و مراد گوینده تحقق می‌یابد و در مورد قرآن کریم نیز همین معنا صادق است.

تحریف معنوی به دو شکل به وجود می‌آید:

۱- تفسیر آیات قرآن به معنایی غیر از آنچه هدف و مقصود خداوند متعال است. قرآن در این مورد می‌فرماید:

گروهی از یهودیان گفتار خداوند را از معنای حقیقی آن به معنا و مواردی دیگر تغییر داده و تحریف می‌کنند (نساء/۴۶). از ابتدای نزول قرآن تا کنون دو نوع تحریف معنوی برای آن ذکر کرده اند:

الف) تغییر در معنای کلمه

ب) تغییر در مدلول آیه یا شأن نزول آن.

تغییر در معنای کلمه مانند کلمه ولی در آیه ولایت (آیه ۵۵ سوره مائده) که معنای حقیقی ولی در آیه سرپرست و حاکم است، اما بعضی آن را به دوست و صدیق معنا کرده اند.

در اینکه تحریف معنوی در قرآن کریم رخ داده و خواهد داد، همه دانشمندان علوم قرآن اتفاق نظر دارند و این نوع از تحریف در سایر کتب آسمانی نیز اتفاق افتاده است (طباطبایی، صفحات ۸۷ تا ۹۲، زرکشی، جلد ۲، ص ۱۶۱). از این نوع تحریف در لسان روایات و متون اسلامی به تفسیر به رأی نیز تعبیر شده است که ائمه معصومین به ما درباره این نوع تفسیر هشدار داده و آن را ممنوع اعلام کرده اند. حدیثی از امام صادق (ع) در این زمینه نقل شده است که فرموده اند: من فسّر القرآن برأیه إن إصاب لم یؤجر و أن أخطأ خرّ أبعد من السماء» کسی که قرآن را به رأی و نظر خویش تفسیر کند، اگر درست و مطابق با واقع باشد، برای او پاداشی نخواهد بود و اگر به خطا رود، از (حق و حقیقت) بیشتر از فاصله آسمانها از یکدیگر دور شده است (عیاشی، جلد ۱، ص ۱۷).

۲- تغییر شکل صحیح و تصویری لفظ در جمله

تغییر جزئی مثل حذف و اضافه یا جابجایی و تغییر در کلمات و حروف یک متن، که در قرآن کریم به صورت تغییراتی در بخشی از آیات و یا کلمات یا حروف و یا اعراب کلمات به صورت جزئی اتفاق افتاده است که بخش بسیار کوچکی از آیات قرآن را شامل می‌شود.

با یک بررسی ساده می‌توانیم بگوییم که هر دو نوع یاد شده نهایتاً منجر به تغییر در خواست و مراد گوینده کلام می‌شود که می‌توان آنها را از نوع تحریف معنوی به حساب آورد، پس به طور کلی می‌توانیم ادعا کنیم که تنها یک نوع تحریف برای قرآن متصور است و آن تحریف معنوی است چه با تغییر و نقصان و کاستی در بعضی الفاظ و چه با وجود شکل صحیح الفاظ قرآن.

نتیجه:

با توجه به اینکه قرآن و قرائات دو پدیده متمایز از هم می‌باشند و قرآن نصّ الهی و دارای حقیقتی واحد است، ولی قرائات پدیده‌ای است که توسط قاریان قرآن به وجود آمده است و با بررسی موضوع اختلاف در قرائات برخی آیات قرآن که نسبت آن به کل قرآن بسیار اندک می‌باشد، این مسئله موجب تحریف قرآن نمی‌شود و حداکثر می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که در موارد معدودی اختلاف قرائات موجب تغییر جزئی در معنا و تحریف معنوی قرآن می‌گردد که این نوع از تحریف را همه صاحب‌نظران، برای همه کتب آسمانی و بشری پذیرفته‌اند و در مورد قرآن کریم نیز صدق می‌کند و به مصونیت قرآن از تحریف و استناد آن به خدای متعال لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

منابع و مأخذ

- ۱- القرآن الکریم
- ۲- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق: محمود محمد طباطبائی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
- ۳- ابن منظور، محمدین مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
- ۴- ابن الجزری، النشرفی فی قرائات العشر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م.
- ۵- ابن الجزری، منجدالمقرئین، الوطنیه الاسلامیه، ۱۳۵۰ ق.
- ۶- احمد مختار عمرو، عبدالعال سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیه، دانشگاه کویت، ۱۴۰۸ ق.
- ۷- استادی، کاظم، بررسی نقش دوره‌های زمانی پس از نزول وحی در تحریف لفظی قرآن، بی تا، ۱۳۹۲ ش.
- ۸- آشوری، حسین، کتابشناسی قرائات قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- ۹- ترخینی عاملی، سیدمحمدحسن، الفقهیه فی شرح روضه البهیة، قم، دارالفقه، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۰- جرجانی، علی بن محمد، کتاب التعریفات، تهران، ناصر خسرو، بی تا.
- ۱۱- جزایری، سید نعمت‌الله، الانوار النعمانیه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۲- جزایری، سید نعمت‌الله، منیع الحیاه و حجیه قول المجتهد من الاموات، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- ۱۳- حسن زاده، حسن، فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب، قم، قیام، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۴- خرماشاهی، بهاء الدین، قرآن شناخت، تهران، بی تا، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۵- خوبی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، دارالثقلین، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دمشق، تحقیق صفوان عدنان داودی، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۷- زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۸- سبزواری، محمود عادل، لغت‌نامه قرآن کریم، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۹- صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۰- طباطبائی، سیدمحمد حسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
- ۲۱- عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، مجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۲- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتب العلمیه الاسلامی، بی تا.
- ۲۳- فضلی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، مترجم: سید محمدباقر حجتی، اسوه، تهران.
- ۲۴- مصباح یزدی، قرآن‌شناسی (معارف قرآن ۶)، قم، مؤسسه امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۹۴ ش.
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۶- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- ۲۷- نجارزادگان، فتح‌الله، تحریف‌ناپذیری قرآن، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۸- نوری، میرزا حسین، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، چاپ سنگی.